

نقش حکمت اعتداد در حکم عده افراد بدون رحم

جمیله حمزه عبدالله^۱، مریم برقی^۲

چکیده

دین اسلام از آخرین ادیان آسمانی و نجات‌دهنده جامعه بشریت است. این دین بزرگ‌ترین خدمت را به همه جهانیان کرده به‌ویژه به زنانی که قبل از اسلام در رنج به سر می‌پردند. اسلام با وضع قوانین و احکام عادلانه، مظلومیت و محرومیت زنان را پایان داد. احکام مربوط به عده زنان در قوانین اسلامی متناسب با کرامت و ارزش انسانی زنان وضع و تشریع شده است. این تکلیف (عده) آثار فقهی و حقوقی فراوانی به دنبال دارد و گستره آن بسیاری از زنان جامعه را شامل می‌شود. شناخت دقیق این مسئله و تشخیص محدوده زمانی آن نسبت به حالات و وضعیت‌های مختلف زنان اهمیت بسزایی دارد به‌ویژه اینکه امروزه با پیشرفت دانش پزشکی و امکان اخراج رحم، مسائل و سؤالات جدیدی در این مورد مطرح می‌شود. هدف نوشتار حاضر که با استفاده از منابع معتبر فقهی-کتابخانه‌ای و با روش توصیفی گردآوری شده بررسی نقش حکمت اعتداد در حکم عده افراد بدون رحم است. براساس نوشتار حاضر در کلمات فقهای امامیه اشاراتی وجود دارد مبنی بر اینکه ملاک عدم عده بر خردسالان و کهن سالان (یائسه)، عدم امکان باروری یا آگاهی یافتن از تهی بودن رحم از حمل است. این معیار در فرض مورد بحث نیز وجود دارد. نتیجه اینکه عده بر زنان فاقد رحم واجب نیست.

واژگان کلیدی: نقش، حکمت، عده، افراد، بدون رحم.

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه خانواده، از کشور نیجریه، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: hamzajamila321@gmail.com

۲. استادیار فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m.borqei@yahoo.com

۱. مقدمه

ازدواج و طلاق یکی از مباحث مهم حوزه‌های زندگی بشر از جوانب مختلف به‌ویژه از جنبه عده است. ازدواج و طلاق همچنین یکی از موارد پیچیده در رشته فقه است که سؤال‌ها، شبهه‌ها و مسائل مختلفی ذیل آن مطرح می‌شود و برای حل آنها نیاز به بررسی دقیق است. یکی از دغدغه‌های مهم در ذیل ازدواج و طلاق زمانی است که پای یک خانم فاقد رحم در میان باشد. در پژوهش حاضر تفاوت عده زن فاقد رحم با عده زنان دیگر و احکام و آثار آن بررسی می‌شود. اگرچه فقها و دانشمندان درباره اعتداد زنان مباحث مختلفی مطرح کرده‌اند، اما تاکنون مقاله‌ای با این نام نوشته نشده است. مقاله بررسی فقهی حکم عده زنان بدون رحم از محمد مؤمن (۱۳۷۲) مشابه به موضوع مقاله حاضر است. موضوع خارج کردن رحم از مسائل نو و مهمی است. در تمام نقاط عالم، زنان فاقد رحم نسبت به این مسئله با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند و همیشه دنبال راه‌هایی برای حل مشکلات خود هستند. هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی نقش حکمت اعتداد در حکم عده افراد بدون رحم با مراجعه به قرآن کریم و سخنان فقهاست.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. عده در لغت

کلمه عده به کسر عین و فتح دال مشدد، اسم مصدر اعتداد و از ریشه عدد گرفته شده که جمع آن عدد است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۳۲۴؛ قرشی، بی تا، ۲۹۹/۴) عده به کسر اول، شیء معدود است. در مفردات آمده است: «العده هی الشیء المعدود» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۳۲۴؛ فیومی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ص ۳۹۶). عده زن مطلقه مدت معدودی است که باید در آن مدت، زن از ازدواج خودداری کند (فیومی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ص ۳۹۶): «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ...» (طلاق: ۱).

۲-۲. عده در اصطلاح فقهی

عده در اصطلاح فقهی عبارتند از: «مقدار زمانی که زن پس از انحلال نکاح به دلیل مرگ شوهر یا به دلیل اطمینان از پاک بودن رحمش از حمل یا به دلیل تعبد شرعی با فرض یقین به برائت رحم از حمل باید صبر کرده و از ازدواج مجدد خودداری کند». (علامه حلی، بی تا، ص ۱۴۷؛ بحرانی، بی تا، ۳۹۱/۲۵) شهید ثانی می نویسد: «إِنَّهَا شَرْعاً إِسْمٌ عِدَّةٍ مَعْدُودَةٍ تَتَرَبَّصُ فِيهَا الْمَرْأَةُ لِمَعْرِفَةِ بَرَاءَةِ رَحِمِهَا أَوْ لِلتَّعَبُّدِ أَوْ لِلتَّنَجُّعِ عَلَى الزَّوْجِ، شَرَعَتْ صِيَانَةَ لِلْأَنْسَابِ وَ تَحْصِينَاً لَهَا عَنِ الْإِخْتِلَاطِ؛ عِدَّةٌ مِنْ دِيْدِ الْكَاهِ شَرْعِيٍّ زَمَانٌ مُعَيَّنٌ اسْتَوْجَبَ فِيهِ الْإِمْتِنَانُ مِنْ بَرَاءَةِ رَحِمِهَا مِنْ حَمْلِهَا بِسَبَبِ مَرَاتِ الشُّوْهِرِ صَبْرُ كُنْدِ. عِدَّةٌ بِمَنْظُورِ صِيَانَةِ نَسَبِهَا وَ جُلُوبِ كِرِيٍّ مِنْ آمِيْخْتِهْ شَدْنِ أَنْهَآ بِأَيِّ كِدِّ كِرٍ تَشْرِيْعٌ شَدْنِ اسْتَوْجَبَ» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۱۳/۹).

در آیات متعددی از قرآن کریم به مشروعیت و لزوم عده برای زنان پس از انحلال نکاح، تصریح شده است: «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (بقره: ۲۲۸)؛ «وَاللَّائِي يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنْ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق: ۴)؛ «وَالَّذِينَ يَتُوفَوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره: ۲۳۴)؛ «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا» (احزاب: ۴۹).

۳. حکمت و فلسفه تشریع عده

۳-۱. اطمینان از برائت رحم

عده وسیله‌ای برای حفظ نسل و اطمینان از برائت رحم از حمل و جلوگیری از اختلاط انساب است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «أما عِدَّةُ الْمُطَلَّقةِ، ثَلَاثُ حِيضٍ أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ فَلِاسْتِبْرَاءِ الرَّحِمِ مِنَ الْوَلَدِ؛ عِلْتُ تَعْيِينِ زَمَانٍ عِدَّةٍ فِي زَمَانٍ مُطَلَّقةٍ بِسَبَبِ حِيضٍ أَوْ سَبَبِ مَرَاتِ الشُّوْهِرِ صَبْرُ كُنْدِ. عِدَّةٌ بِمَنْظُورِ صِيَانَةِ نَسَبِهَا وَ جُلُوبِ كِرِيٍّ مِنْ آمِيْخْتِهْ شَدْنِ أَنْهَآ بِأَيِّ كِدِّ كِرٍ تَشْرِيْعٌ شَدْنِ اسْتَوْجَبَ» (صدوق، ۱۳۸۵، ۵۰۸/۲). فقهای امامیه نیز در تعریف عده آورده‌اند: «لتعرف برائه رحمها من الحمل أو تعبداً؛ زن عده نگه می دارد تا از پاک بودن رحمش از حمل آگاهی یابد یا اساساً صبر کردن از ازدواج در مدت عده از باب تعبد است» (بحرانی، بی تا، ۲۳/۲۵). هرچند

حکمت تشريع عده اطمینان از برائت رحم و جلوگیری از اختلاط انساب است، ولی این امر با تعیین تکلیف شارع در مواردی که برائت رحم نیز معلوم است، منافاتی ندارد. براین اساس، فقها بدون هیچ اختلافی فتوا داده‌اند که آمیزش در دبر نیز موجب لزوم عده می‌شود هرچند که اطمینان از برائت رحم نیز وجود دارد (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۱۲/۳۲).

۳-۲. امکان رجوع زوج

عده وسیله‌ای برای صلح و بازگشت به زندگی مشترک است. گاهی در اثر عوامل مختلف زمینه روحی زوجین به وضعیتی می‌رسد که بایک اختلاف جزئی و نزاع کوچک حس انتقام‌جویی چنان شعله‌ور می‌شود که فروغ عقل و وجدان خاموش شده و به تفرقه می‌انجامد. متأسفانه بیشتر جدایی‌ها در همین حالات رخ می‌دهد. اسلام به دلیل اهمیتی که به حفظ کانون خانواده دارد در فاصله زمانی عده به هریک از زوجین مجال فکر و اندیشه می‌دهد تا در صورت فروکش کردن غضب یا حالت‌های روانی بتوانند مجدد به زندگی مشترک ادامه دهند و یک‌باره طلاق میان آنها به جدایی و پایان دوران زوجیت منجر نشود. خداوند متعال می‌فرماید: «وَبَعُولَتَهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ إِنْ أَرَادَا إِصْلَاحًا؛ شوهران آنها در زمان عده حق رجوع دارند اگر نیت خیر و سازش دارند» (بقره: ۲۲۸). دستور عدم خروج زن در زمان عده از خانه شوهر آمده است. «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ... لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يَخْدُثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا؛ آنان را از منزلشان خارج نسازید. چه می‌دانید شاید خدا گشایشی رساند و صلحی پیش آید» (طلاق: ۱).

۳-۳. حفظ حیات جنین

تشريع عده در صورت باردار بودن زن وسیله‌ای برای حفظ حیات جنین است. نگهداری عده برای زن باردار در صورت انحلال نکاح یا نزدیکی به شبهه برای جلوگیری از اختلاط نسب نیست؛ زیرا پس از انعقاد نطفه به مدت کوتاهی رحم بسته می‌شود و تا وضع حمل، زن مجدد نمی‌تواند باردار شود، بلکه به نظر می‌رسد لزوم عده در زن باردار برای حفظ حیات جنین است. اگر زن عده

نگه ندارد و قبل از وضع حمل، شوهر دیگری اختیار کند شاید شوهر، زن را وادار به سقط جنین کند یا بعد از تولد طفل موجبات قتل فرزند را فراهم کند. (علوی قزوینی، ۱۳۸۷، ص ۱۰)

۳-۴. نشانه عزاداری

در عده وفات، احترام به پیوند زناشویی و اظهار حزن و عزادار بودن از حکمت‌های تشریع عده است هرچند از منظر اخلاق و آداب، رعایت این حکمت در مورد مرگ زن نیز لازم است، ولی مراعات این امر بر زوجه از نظر رعایت جانب حیا و عفاف و پرهیز از تنزل شأن زن مانند کالابی که مورد تعاطی قرار می‌گیرد مورد تأکید بیشتر و الزام شرعی واقع شده است. (طباطبایی، بی‌تا، ۲/۲۴۲) از این رو، در برخی روایات علت تعیین مدت عده وفات به چهار ماه و ده روز این گونه بیان شده است: «حداکثر تحمل زنان نسبت به ترک آمیزش در غالب زنان چهار ماه است. از این رو عده وفات نیز متناسب با میزان تحمل و بردباری آنان چهار ماه و ده روز تعیین شده است» (صدوق، ۱۳۸۵، ۲/۵۰۸).

عده طلاق سه طهر (پاک شدن) است؛ یعنی زن باید از تاریخ وقوع طلاق، سه بار دوران پاکیزگی بعد از عادت را به پایان برساند. حکم نگهداری عده برای زنی که طلاق گرفته مبتنی بر آیات قرآن است. خداوند در آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌فرماید: «زن‌هایی که طلاق داده شدند از شوهر کردن خودداری کنند تا سه پاکی بر آنها بگذرد و حیض یا حملی که خداوند در رحم آنها آفریده کتمان نکنند اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند». بسیاری از فقها و مفسران با استناد به این آیه، در توضیح مبانی عده به احتمال اختلاط نسل اشاره کرده‌اند. حقوق دانان نیز جلوگیری از اختلاط نسب و احترام به نکاح سابق را از مهمترین دلایل عده می‌دانند، البته ذکر این نکته ضروری است که در مواردی هم که بیم اختلاط نسل نیست نگه داشتن عده الزامی است (احمدی، ۱۳۸۷).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه و بیان فلسفه آن می‌نویسد: «زن مطلقه باید مدتی از زناشویی خودداری کند تا در صورت باردار بودن، فرزندش مورد اشتباه واقع نشود. این تعبیر علاوه بر اینکه دلالت بر حکم عده می‌کند اشاره به حکمت آن نیز می‌باشد که عبارت است از جلوگیری از

اختلاط نسل و فساد نسب، ولی لازم نیست که این حکمت در تمام موارد جاری باشد؛ زیرا احکام و قوانین همیشه دائر مدار مصالح غالبی است نه مصالح کلی و عمومی». (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۲/۳۲۵) بنابراین، فلسفه نگه داشتن عده برای زنی که رابطه زوجیت او منحل شده جلوگیری از اختلاط نسل است. اکنون همراه با پیشرفت‌های علم پزشکی و باوجود آزمایش‌های متعدد ژنتیکی، اثبات نسبت امر چندان دشواری نیست. عده طلاق سه طهر است، ولی این مدت (سه ماه) برحسب اینکه زن باردار باشد یا نه متفاوت است. برخی از زنان عده ندارند مانند زنان یائسه و زنانی که بین آنها و شوهرانشان نزدیکی واقع نشده است (احمدی، ۱۳۸۷).

۳-۵. تعبدی بودن عده

اکنون با توسل به شیوه‌های جدید پزشکی می‌توان از عدم وجود طفل در رحم اطمینان حاصل کرد و ازطرفی باتوجه به اینکه مدت عده در طلاق و فوت و در مطلقه‌ای که عقد او به صورت دائم بوده و مطلقه اینکه عقد او به صورت موقت بوده، تفاوت می‌کند، می‌توان به تعبدی بودن عده تمایل داشت. محدث بحرانی در تعریف عده می‌گوید: «لتعرف برأه رحمها فی الحمل او تعبدا؛ زن عده نگه می‌دارد تا از پاک بودن رحمش از حمل آگاهی یابد یا اساساً از باب تعبد عده نگه می‌دارد» (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۱۲/۳۲). این فلسفه تعبدی بودن عده با فلسفه اصلی عده یعنی، اطمینان از برائت رحم و پیشگیری از اختلاط نسب، متناقض است.

۴. وضعیت زنان فاقد رحم

۴-۱. زوجه صغیره

به اجماع فقهای امامیه، طلاق دختران نابالغ از انواع طلاق‌های بائن است (نجفی، ۱۹۸۱، ۱۲۰/۳۲)، هرچند از روی عصیان عمل آمیزش نیز انجام شده باشد؛ زیرا در این مورد نیز احتمال حمل و اختلاط انساب وجود ندارد (بحرانی، بی‌تا، ۴۳۲/۲۵). امام صادق علیه السلام فرمود: «ثلاث یتزوجن علی کل حال الثی لم تحض مثلها لاتحیض، قال قلت: وما حدّها؟ قال: اذا أتت لها اقل من تسع سنین؛ سه گروه از زنان در هر حالی می‌توانند ازدواج کنند: اول، کسی که عادت (حیض)

نشده و مانند او نیز نمی‌شود. پرسیدم: حد آن چیست؟ فرمود: وقتی که کمتر از نه سال داشته باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۷۹/۲۲، طوسی، ۱۳۶۵، ۲۱۷/۸).

۴-۲. زنان یائسه

در تعیین سن یائسگی میان فقهای امامیه اختلاف نظر است. برخی آن را ۶۰ سالگی و گروهی نیز ۵۰ سالگی می‌دانند. (نجفی، ۱۹۸۱، ۱۲۰/۳۲) مشهور فقها به استناد روایات معتبر میان زنان قرشیه و غیر آن تفکیک قائل شده و حد یأس را در زنان قرشی ۶۰ سال و غیر آن ۵۰ سال می‌دانند (مامقانی، بی‌تا، ص ۱۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۱۳۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۳۳۵/۲). براساس این نظریه اگر انتساب زن به قریش ثابت نباشد اصل عدم انتساب است و در نتیجه سن یائسگی ۵۰ سالگی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۱۳۳؛ یزدی، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۱/۳۱۶؛ سبزواری، بی‌تا، ص ۶۳).

۴-۳. اقوال فقها در عده یائسه

به عقیده مشهور فقهای امامیه بر زن یائسه عده لازم نیست. (خوانساری، ۱۳۵۵، ۵۱۸/۴) برخی از فقهای امامیه مانند سید مرتضی و ابن زهره معتقد هستند: «عده طلاق زنان یائسه سه ماه است» (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۳۳۴؛ حلبی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۳۲۸). دلیل ایشان، ظاهر آیه قرآن است: «وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ؛ از زنان شما آنان که از حیض شدن ناامیدند اگر از حیض شدن آنها در تردید هستید عده طلاق آنان سه ماه است و نیز عده زنانی که حیض ندیده‌اند سه ماه است» (طلاق: ۴).

در تفسیر «إِنْ ارْتَبْتُمْ» برخی می‌نویسند: «کلمه «ارتباب» مصدر فعل «ارتبتم» و به معنای شک و تردید است؛ یعنی اگر شما درباره عده این قبیل زنان (یائسه) در شک و تردید هستید و مقدار آن را نمی‌دانید، پس عده آنان سه ماه است». (طبرسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۶۱/۱۰) علت این تفسیر حدیثی است که از اهل سنت در زمان نزول آیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: «ابی بن کعب به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! درباره زنان صغیره، یائسه و زنانی که حیض نمی‌شوند و زنان

باردار در قرآن مطلبی وارد نشده است، پس از این سخن بود که این آیه نازل شد». بنابراین، صحیح نیست که مقصود از «إن ارتبتم» در آیه، شک و تردید درباره یائسه بودن و غیر یائسه بودن زن باشد؛ زیرا خداوند در این آیه به طور صریح، حکم عده زنانی که از حیض مأیوس هستند را بیان کرده و نمی‌توان زنی را که در حیض شدن خود تردید دارد، یائسه نامید.

مشهور فقها با ضعیف شمردن حدیث اهل تسنن و با استناد به روایات معتبر، قید «إن ارتبتم» را در آیه به یأس از حیض و حمل مربوط می‌دانند و معتقد هستند هرگاه زن مطلقه در یائسه شدن خود شک و تردید داشته باشد عده او سه ماه است؛ زیرا ممکن است زنی حیض نبیند، ولی شک داشته باشد که آیا حائض نشدن وی به دلیل یائسگی است یا به علل دیگر. ایشان زنانی هستند که امثال آنها حیض می‌بینند؛ زیرا اگر در سن کسانی بودند که حیض نمی‌شدند معنایی برای ترتیب نبود که در روایت به این مطلب اشاره شده است. (بحرانی، بی‌تا، ص ۴۳۴؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۲۳۴/۳۲؛ یزدی، ۱۴۲۲، ۸۴/۶) مشهور فقها افزون بر آیه مورد نظر به روایات دیگری نیز برای اثبات عدم لزوم عده زن یائسه و صغیره استناد کرده‌اند (بحرانی، بی‌تا، ۴۳۴/۲۵؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۲۳۴/۳۲؛ یزدی، ۱۴۲۲، ۸۴/۶) مانند صحیح‌ه حماد بن عثمان که از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «سألته عن التي قد يئست من المحيض والتي لا يحيض مثلها، قال: ليس عليها عده؛ از امام سؤال کردم درباره زنی که از قاعدگی ناامید شده و زنی که همسالانش عادت نمی‌شود. امام علیه السلام فرمود: عده بر او نیست» (یزدی، بی‌تا، ۲۱۷/۸).

۴-۴. زنان فاقد رحم

ازمنظر فقهی این سؤال مطرح است که اگر زنی به سن عادت ماهانه رسیده باشد، اما به دلایلی رحم خود را خارج کند آیا عده طلاق بر او واجب است. قبل از پاسخ این نکته باید روشن شود که مقتضای قاعده اولیه مستنبط از ادله و نصوص شرعیه در مورد زنان مطلقه چیست. آیا مقتضای قاعده مزبور در مورد تمام زنان مطلقه، وجوب عده و لزوم اعتداد است مگر در موارد استثنا مانند یائسه و صغیره و... یا برعکس چنین قاعده فتوی داده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۸۵/۲)

۵. دلایل اثبات عده

ممکن است برای اثبات این قاعده به دلایل ذیل استناد شود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ؛ ای پیامبر! به مردم بگو هرگاه زنان را طلاق دهید به وقت عده آنها را طلاق دهید و عده را بشمارید». (طلاق: ۱) شیوه استدلال آن است که از یک سو براساس ظاهر آیه، طلاق همیشه با تحقق عده همراه است «وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ». از سوی دیگر عموم و گستره لفظ «النساء» در این آیه، همه اصناف زنان از جمله زنان فاقد رحم نیز است. به موجب این آیه بر این قبیل زنان نیز لازم است که پس از طلاق، عده نگه دارند. در پاسخ می توان گفت که شمول لفظ «النساء» نسبت به همه اصناف زنان در صورتی صحیح است که قرینه ای متصل یا منفصل وجود نداشته باشد یا حداقل احتمال وجود آن بر تقييد لفظ عام «النساء» به صنف خاصی از زنان نباشد درحالی که آیه «وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ» (طلاق: ۴) قرینه آشکاری بر تقييد لفظ النساء در آیه اول این سوره به زنانی است که امکان باروری و آبستن شدن را دارند؛ زیرا در آیه اخیر لزوم عده سه ماهه بر زنانی که عادت ماهانه ندارند مشروط به ارباب یعنی، شک و تردید آنها در امکان آبستنی و باروری شده است. بنابراین، مفهوم مخالف آیه مزبور چنین است: «با عدم احتمال آبستنی در زنانی که دارای عادت ماهانه نیستند عده بر آنها واجب نیست و این معنی گواه بر تقييد و تخصیص لفظ النساء در آیه اول به زنانی است که امکان باروری دارند و حداقل اینکه احتمال نزول هم زمان آیات چهارگانه مورد بحث و نیز احتمال اراده شک و تردید در امکان باروری از لفظ ارباب در آیه مورد بحث، سبب اجمال معنا و احتمال محدودیت لفظ النساء به صنف خاصی از زنان (زنانی که امکان باروری دارند) است. از این رو، نمی توان این آیه را دلیل بر قاعده ای عام و فراگیر برای اثبات لزوم عده در تمام زنان مطلقه قرار داد» (ابن زهره، ۱۴۱۷ هـ. ق، ص ۵۵۴).

«وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ؛ زنان طلاق داده شده باید سه قراء (پاکی) درنگ کنند». (بقره: ۲۲۸) لفظ «المطلقات» در این آیه نیز مانند لفظ النساء در آیه قبل از الفاظ عموم

است و شامل همه اصناف زنان از جمله زنان فاقد رحم می‌شود. به موجب این آیه، حکم عده برای این زنان نیز ثابت است (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۲۹۶). به نظر می‌رسد حکم وجوب عده در آیه مورد بحث تنها محدود به زنانی است که عادت ماهانه دارند؛ زیرا لفظ قرء فقط در مورد زنانی قابل اعمال است که دوران قاعدگی و پاکی دارند و می‌توان برای آنها سه دوره پاکی در نظر گرفت، ولی زنانی که امکان عادت (حیض) در آنها وجود ندارد به دلیل رسیدن به سن یائسگی یا کودکی یا بیرون آوردن رحم نمی‌توانند در گستره و عموم این آیه قرار گیرند. این امر قرینه‌ای بر تخصیص لفظ «المطلقات» به زنانی است که عادت ماهانه دارند. بنابراین، نمی‌توان برای اثبات قاعده مورد نظر به این آیه نیز استناد کرد (علوی قزوینی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). برای اثبات قاعده مورد بحث به باره‌ای از روایات نیز استدلال شده است از جمله روایت معتبر داوود بن سرحان از امام صادق علیه السلام که فرمود: «عَدَةُ الْمَطْلُوقَةِ ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَكُنْ تَحِيضُ؛ عَدَةُ زَنْ طَلَاقٍ دَاوَدَ بْنَ سَرْحَانَ عَنْ إِمَامِ صَادِقٍ علیه السلام» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۲۲/۱۵).

مستفاد از ظاهر حدیث آن است که امام علیه السلام عده را بر همه زنان مطلقه لازم و واجب می‌داند با این تفاوت که مدت آن در مورد زنانی که عادت ماهانه دارند سه قرء و در مورد کسانی که عادت نمی‌شوند سه ماه مقرر شده است. بدین لحاظ اطلاق حدیث شامل زنان فاقد رحم نیز است و این قبیل زنان نیز باید سه ماه عده نگاه دارند. به این ادعا این گونه می‌توان پاسخ داد: «اساساً امام علیه السلام در این حدیث درصدد بیان مدت و زمان عده زنانی که باید عده نگه دارند بوده و نسبت به اینکه کدام یک از اصناف زنان باید سه ماه یا سه قرء عده نگاه دارند مطلبی بیان نکرده‌اند. از نظر قواعد علم اصول، این حدیث فاقد اطلاق نسبت به همه اصناف زنان است. در نتیجه صلاحیت استناد برای اثبات قاعده مورد نظر را ندارد» (علوی قزوینی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). با عنایت به مطالب پیشین آشکار می‌شود که دلیل فقهی قابل اعتمادی برای اثبات قاعده‌ای کلی و عام مبنی بر وجوب عده بر تمام اصناف زنان مطلقه وجود ندارد تا بتوان در مواردی که نص خاصی در آن مورد نرسیده است برای اثبات عده به آن قاعده مراجعه کرد (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۲۹۶). حال پس از نفی قاعده مزبور و اذعان به عدم وجوب عده بر زنان یائسه و صغیره برای تعیین

وضعیت عده زنان فاقد رحم این سؤال مطرح است که آیا از نظر فقهی این قبیل زنان به دلیل حکم عده، ملحق به زنان یائسه هستند. بدیهی است در صورت مثبت بودن پاسخ بر این گروه از زنان نیز عده لازم نیست. برای اثبات الحاق زنان فاقد رحم به زنان یائسه می‌توان به گروهی از احادیث استناد کرد.

۶. دلائل عدم عده برای افراد فاقد رحم

۱-۶. عدم بارداری

احادیث مختلف بر نفی عده از زنانی که همسان‌های آنها آبستن نمی‌شوند دلالت بر عدم عده زنان فاقد رحم دارد مانند روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام که فرمود: «الَّتِي لَا تَحْبِلُ مِثْلَهَا لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا؛ زنی که همسان وی باردار نمی‌شود عده ندارد». (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۰۹/۱۵) موضوع حکم عدم عده در این حدیث، زنی است که همسان وی باردار نمی‌شود و آشکار است که این نام شامل زن مطلقه فاقد رحم نیز می‌شود؛ زیرا همه زنان فاقد رحم در عدم امکان باروری همسان او محسوب می‌شوند. به موجب این گروه از روایات بر این گونه زنان عده واجب نیست.

ممکن است گفته شود که مزبور «لا تحبل مثلها» اگرچه شامل زنان فاقد رحم نیز می‌شود، ولی باتوجه به عدم تحقق این مصداق در زمان صدور روایت باید ملتزم شد که مقصود از عبارت یاد شده در حدیث، فقط دختران خردسال و زنان کهنسالی است که مایوس از حمل و بارداری هستند. در پاسخ این ایراد می‌توان گفت که انحصار مصادیق عنوان یاد شده «لا تحبل مثلها» در روزگاران گذشته به دختران خردسال و زنان یائسه، سبب انحصار مفهوم آن به دو مورد مذکور نمی‌شود، بلکه معنا و مفهوم عبارت مزبور شامل تمام مصادیق ممکن از جمله زنان فاقد رحم نیز است. از آنجاکه این مطلب، ضابطه و معیار کلی برای تعیین تکلیف عده زنان در کلام امام علیه السلام آمده است، نمی‌توان مصادیق آن را محدود به مصادیق موجود در زمان صدور حکم کرد. همچنین تعلیق حکم عدم وجوب عده بر عدم امکان باروری همسان‌های زن «لا تحبل مثلها» گویای آن

است که تمام ملاک برای عدم عده، عدم امکان آبستن شدن زن است که این معیار برای زنان فاقد رحم نیز وجود دارد.

نکته‌های قابل توجه: براساس این استدلال ممکن است تصور شود زنان مطلقه‌ای که شوهران آنها عقیم هستند نیز نباید عده نگاه دارند؛ زیرا همسان‌های آنها از زنانی که شوهرانشان عقیم هستند نیز امکان باروری و حمل ندارند، ولی این پندار نارواست؛ زیرا مماثلت و همسانی در عدم امکان حمل و بارداری از اوصاف مربوط به زن است؛ یعنی زن باید وصفی داشته باشد که زنان مشابه او در آن صفت نیز امکان باروری را نداشته باشند. حدیث مذکور موردی را که در زن، علت ویژه‌ای برای عدم حمل وجود ندارد، شامل نمی‌شود. ممکن است توهم شود براساس این حدیث، عده بر زنان عقیم و نازا نیز واجب نیست؛ زیرا همسان‌های این قبیل زنان نیز باردار نمی‌شوند، ولی پاسخ آن است که هرگاه نازایی و عدم باروری معلول عوامل ناشناخته یا علل و اسباب ویژه‌ای باشد که ممکن است با گذشت زمان و پیشرفت علوم و فن‌آوری‌های نوین مرتفع شود این قبیل نازایی‌ها تأثیری در برداشتن عده ندارند، ولی هرگاه نازایی در اثر عواملی باشد که احتمال برطرف شدن آن وجود ندارد و اگر در هر زنی یافت شود آن زن نیز آبستن نخواهد شد این قبیل نازایی‌ها همان چیزی است که در این احادیث، موضوع حکم عدم عده قرار گرفته است که مصداق روشن آن نیز زنان فاقد رحم هستند. (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۲۹۷)

۶-۲. عدم قاعدگی

روایاتی که بیان می‌کند عده بر زنی که عادت نمی‌شود و همسان او نیز عادت ماهانه ندارد، لازم نیست بر عدم عده زنان فاقد رحم نیز دلالت دارد. در برخی روایات آمده است: «قال سألت عن التی قد یئست من المحیض و التی لا یحیض مثلها؟ قال: لیس علیها عده؛ از امام صادق علیه السلام درباره زنی که از قاعدگی ناامید شده و زنی که همسان او عادت نمی‌شود، سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: عده‌ای بر وی لازم نیست» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۰۵/۱۵). موضوع این حدیث عدم

و جوب عده زنی است که عادت ماهانه ندارد و همسان وی نیز حائض نمی‌شود. زنان فاقد رحم نیز این‌گونه هستند؛ زیرا این قبیل زنان به دلیل اخراج رحم، حالت عادت ماهانه ندارند.

اگر سؤال شود عبارت «لا تحيض مثلها» در کلام راوی است و در کلام امام علیه السلام نیست و با عنایت به اینکه در آن زمان مسئله اخراج رحم امری غیرممکن بوده و چه بسا این امر در ذهن سؤال‌کننده نیز خطور نمی‌کرده، پس مقصود راوی از عبارت مزبور، تنها مصادیق شایع و نمونه‌های متعارف آن یعنی، دختران خردسالی که به سن قاعدگی نرسیده‌اند بوده است و امام علیه السلام نیز براساس سؤال، جواب را بیان کرده است. بنابراین، جمله «لا تحيض مثلها» شامل زنان فاقد رحم نیست. در پاسخ می‌توان گفت پرسش راوی گویای آن است که در ذهنیت وی میان عده و حمل و عادت ماهانه ارتباط و پیوستگی وجود داشته است. این ذهنیت نیز ناشی از برخی سخنان امامان معصوم علیهم السلام بوده است مانند اینکه فرمود: «العده من الماء؛ عده ناشی از نطفه است». کنایه از آمیزش و زناشویی (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۰۳/۱۵). یا حدیث «أما عده المطلقة ثلاثة قروء فلاستبراء الرحم من الولد؛ عده سه طهر برای زن مطلقه برای آگاهی از عدم بارداری اوست» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۵۲/۱۵). از نظر راوی، عده برای اطمینان از باردار نبودن زن، جعل و تشریع شده است، پس به موجب آن باید لزوم احراز چنین امری در مورد زنی که عادت نمی‌شود، منتفی باشد. بنابراین، این امر (ارتکاز ذهنی) راوی را وادار کرده است تا از امام علیه السلام نسبت به وضعیت عده زنانی که عادت ماهانه ندارند، سؤال کند، پس تمام موضوع سؤال راوی از امام علیه السلام زنی است که همسان آن زن عادت نمی‌شود و ویژگی نابالغ بودن یا کهنسالی و سپری کردن سن قاعدگی خصوصیته ندارد. از پاسخ امام علیه السلام که فرمود: «عده بر او نیست» نیز استفاده می‌شود، تمام موضوع برای نفی عده، همان چیزی است که در ذهن راوی بوده است؛ یعنی زنانی که همسان آنها عادت نمی‌شوند ناچار پاسخ امام علیه السلام مربوط به همه زنانی است که عادت ماهانه ندارند و همسان آنها نیز عادت نمی‌شوند. از این رو، هرگاه در اثر پیشرفت دانش و فناوری نمونه‌های دیگری از این نام پدیدار شود مانند زنانی که رحم آنها را خارج کرده‌اند، تردیدی نیست

که آن نمونه‌ها نیز در حکم عدم عده همانند دو نمونه طبیعی خردسالان و کهنسالان خواهند بود و عده بر آنها لازم نیست.

۷. تعارض برخی روایات

در مقابل این احادیث، برخی روایات، عده زنان مطلقه‌ای که عادت نمی‌شوند را سه ماه قرار داده است. این روایات بر دوگونه است: برخی از آنها عده زنی که عادت نمی‌شود و همسان او نیز عادت نمی‌شود را سه ماه می‌داند. برخی دیگر عده زنانی که عادت نمی‌شوند را سه ماه قرار داده‌اند. از گروه نخست، روایت محمدبن حکیم است که از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد درباره مقدار عده زنی که همسانش عادت نمی‌شود و تاکنون هم نشده است. امام علیه السلام فرمود: «سه ماه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۵/۴۰۷). موضوع سؤال این حدیث، زنی است که عادت نمی‌شود و همسان او نیز عادت نمی‌شود امام علیه السلام عده او را سه ماه تعیین نموده‌اند. این حدیث با روایات گذشته که عده را از این قبیل زنان نفی می‌کرد، معارض است. از گروه دوم نیز حدیث صحیح حلی است که امام صادق علیه السلام فرمود: «عده زنی که عادت نمی‌شود و زنی که سه ماه از استحاضه بیرون نرفته و پاک نشده، سه ماه است، نیز عده زنی که عادت منظمی ندارد سه قرء است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۱۵/۴۱۲).

۸. حل تعارض روایات

حل تعارض میان روایاتی که معتقد هستند بر زنان یائسه و صغیره عده لازم نیست نظر مشهور فقها و کسانی که معتقد هستند بر زنان یائسه عده واجب است و مقدار آن نیز سه ماه است (نظر سید مرتضی و ابن زهره) این است که این دو گروه از روایات از زمره دلایل نظریه اخیر است و مورد پذیرش مشهور فقهای امامیه قرار نگرفته و مورد نقد واقع شده است. بنابراین، طرح بحث مورد نظر با فرض ضعف سند یا دلالت روایات یاد شده است چنانچه این امر در کتب معتبر فقهی مبرهن است (بحرانی، بی‌تا، ۲۵/۴۳۶). برای هریک از دو گروه روایات یاد شده می‌توان پاسخ‌های جداگانه‌ای ارائه کرد: از جمله، اضطراب احادیث. متن روایت محمدبن حکیم دچار نوعی

آشفستگی و اضطراب است؛ زیرا مصداق زنی که خود عادت ماهانه نداشته و همسان او نیز عادت نمی‌شود همان یائسه یا صغیره‌ای است که به سن قاعدگی نرسیده و آشکار است که تردید و شک در مورد بارداری چنین زنی چنانچه در حدیث مزبور آمده دور از واقعیت است. بدین لحاظ احتمال بسیار قوی وجود دارد که در بازنویسی حدیث توسط نسخه‌برداران یا ازسوی راوی در هنگام کتابت حدیث اشتباهی رخ داده باشد و واژه «لا» به‌طور سهوی اضافه شده باشد. به این ترتیب عبارت صحیح چنین است: «المرأه التي تحيض مثلها و لم تحض کم تعتد؛ یعنی زنی که همسان او عادت می‌شود، ولی خود زن عادت نمی‌شود چه مقدار باید عده نگاه دارد». بنابراین، احتمال موضوع سؤال، بیگانه از مورد بحث یعنی، زنان فاقد رحم است، بلکه سؤال مربوط به عده زنان مستترابه (زنی که آبستنی او مشکوک است) می‌باشد که عده آنان سه ماه است و بدین سان متن حدیث نیز از آشفستگی مصون خواهد ماند. در کتاب کافی مفاد حدیث مزبور با سند دیگری از محمدبن حکیم نقل شده که در آن واژه «لا» وجود ندارد (کلینی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۰/۶).

۸-۱. مؤیدات قول مشهور

باتوجه به یکسانی مفاد دو روایت یاد شده و وحدت سائل و مسئول عنه در آن دو حدیث، احتمال اینکه این دو متن، یک حدیث بوده که به دو صورت مختلف نقل شده احتمالی نزدیک به واقع است؛ زیرا کتاب کافی نیز در میان کتاب‌های حدیثی، اتقان فوق‌العاده‌ای دارد و در موارد تعارض یا اختلاف متون حدیثی نقل شده در جوامع مختلف حدیثی همواره متن نقل شده در کتاب کافی بر سایر کتب ترجیح دارد.

مرحوم مجلسی نیز این احتمال را پذیرفته است و می‌نویسد: «الظاهر أنَّ كلمة «لا» زیدت من النسخ و فی الکافی عن محمد بن حکیم بسند آخر: التي تحيض مثلها». (مجلسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۳۹/۱۳) مشابه این سخن را نیز مرحوم فیض کاشانی آورده است: «إلّا أن یقال أن لفظة «لا» فی «لاتحیض مثلها» من زیادة النسخ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۱۶۴/۲۳). در تأیید این سخن می‌توان به مقاله شیخ طوسی اشاره کرد که وی حدیث مزبور را دلیل لزوم عده سه ماهه بر زنان

مستترابه قرار داده است (طوسی، ۱۳۶۳، ۶۸/۸). نظریه شیخ طوسی در صورتی صحیح است که واژه «لا» در حدیث وجود نداشته باشد.

۸-۲. عمومیت روایات دسته دوم

مفاد روایات گروه دوم عام و فراگیر است و شامل تمام زنانی می‌شود که قاعدگی ندارند اعم از آنکه همسان‌های آنها قاعدگی داشته یا نداشته باشند، ولی مضمون روایات استنادی در مورد نفی عده در مورد زنان فاقد رحم خاص بوده و تنها درباره زنانی است که قاعدگی ندارند و همسان‌های آنها نیز عادت نمی‌شوند. به عبارت دیگر، تعارض روایات گروه دوم با احادیث گذشته از نوع تعارض عام و خاص است و بر اساس قواعد مقرر در علم اصول در موارد تعارض دو دلیل عام و خاص باید دلیل عام را توسط دلیل خاص تخصیص زد، پس مفاد روایات گروه دوم مربوط به زنانی است که پس از رسیدن به سن قاعدگی به دلیل پدیده‌ها و عوارض شخصی حالت عادت و قاعدگی ندارند، اما همسان‌های آنها عادت می‌شوند، ولی مضمون روایات استنادی در مورد بحث، زنانی هستند که خود حالت قاعدگی ندارند و همسان‌های آنها نیز عادت نمی‌شوند و بدین سان تعارض اولیه میان مضمون این دو گروه از روایات مرتفع خواهد شد.

۹. نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث پیشین آشکار شد که بر زنان مطلقه‌ای که فاقد رحم هستند عده واجب نیست. برای تأیید این نظریه می‌توان به برخی کلمات فقهای برجسته امامیه استناد کرد که در آن برای نفی عده از زنان یائسه از این تعابیر استفاده شده است: «یئست عن المحيض و مثلها لا تحيض؛ زنی که از قاعدگی ناامید شده و همسان او نیز عادت نمی‌شود» (صدوق، ۱۳۸۵، ص ۲۹؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۳۲۶؛ حلبی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۳۱۲). این تعبیر می‌تواند زنان فاقد رحم را نیز شامل شود؛ زیرا زنی که رحم وی را خارج کرده باشند نیز ناامید از قاعدگی است و همسان‌هایش نیز عادت ماهانه ندارند. پیامد چنین امری شمول حکم ایشان به عدم وجوب عده نسبت به زنان مورد بحث (زنان فاقد رحم) خواهد بود (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۲۹۱). باتوجه به اینکه عبارات مزبور در

زمانی بیان شده که مسئله اخراج رحم امری نامأنوس و ناشناخته بوده است به نظر می‌رسد مقصود فقها از تعابیر مذکور تنها زنان کهن سالی است که به سن یأس از قاعدگی رسیده‌اند. در کلمات فقهای امامیه اشاراتی وجود دارد که ملاک عدم عده بر خردسالان و کهن سالان (یأسه) همان عدم امکان باروری یا آگاهی یافتن از تهی بودن رحم از حمل است. این معیار در فرض مورد بحث نیز وجود دارد و نتیجه آنکه بر زنان فاقد رحم واجب نیست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۵). مترجم: محمدامین، انصاریان. قم: زلال کوثر.
۱. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۳۸۵). وسیله النجاه. قم: دارالکتب علمیه.
۲. بحرانی، یوسف (بی‌تا). حقائق الناضره. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. جبعی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۰هـ.ق). اللمعه دمشقیه. قم: منشورات دارالفکر.
۴. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۳هـ.ق). مسالک الافهام. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۵. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۳۷۹). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). وسائل الشیعه. بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۷. حلبی، ابن زهره (۱۴۱۷هـ.ق). غنیة النزوع. قم: منشورات مؤسسه الامام الصادق (ع).
۸. حلی (ابن ادریس)، محمد بن منصور (بی‌تا). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر (بی‌تا). تبصره المتعلمین. تهران: چاپ سنگی.
۱۰. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵). جامع المدارک. تهران: مکتبه صادق.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۰۴هـ.ق). مفردات فی غریب القرآن. قم: دفتر نشر کتاب.
۱۲. سبزواری، محمدباقر (بی‌تا). ذخیره المعاد. تهران: چاپ سنگی.
۱۳. سار دلیمی، ابی یعلی حمزه بن عبدعزیز (۱۴۱۴هـ.ق). مراسم علویه. قم: انتشارات امیر.
۱۴. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع. بیروت: داراحیاء تراث عربی.
۱۵. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۴۱۵هـ.ق). المقنع. قم: مؤسسه الامام الهادی (ع).
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. طبرسی، ابوالفضل بن حسن (۱۴۰۷هـ.ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء تراث عربی.
۱۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۳). الاستبصار فی ما اختلف من الآثار. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (بی‌تا). النهایه فی مجرد الفتاوی. بیروت: داراندلس.
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۵هـ.ق). قواعد الاحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۲. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۵هـ.ق). الاختصار. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲۳. فیض کاشانی، محمد حسن (۱۴۱۵هـ.ق). الوافی. اصفهان: منشورات مکتبه امیرالمؤمنین.

۲۴. فیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۰۵ هـ.ق). المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر الرافضی. قم: مؤسسه دارالبهره.
۲۵. قزوینی، علی علوی (۱۳۸۷). انواع عده و وضعیت زنان فاقد رحم. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۰، ۷-۴۰.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ هـ.ق). فروع الکافی. بیروت: انتشارات دارالاضواء.
۲۷. مامقانی، عبدالله (۱۴۰۴ هـ.ق). مناهج المتقین. قم ایران: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۷ هـ.ق). ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاحکام. قم: مکتبه آیت الله المرعشی.
۲۹. محقق حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۹ هـ.ق). شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام. قم: انتشارات امیر.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). استفتانات جدید. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۳۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله. قم: دارالکتب العلمیه.
۳۳. مؤمن قمی، محمد (۱۳۷۴). بررسی فقهی حکم زنان بدون رحم. نشریه فقه اهل بیت، شماره ۲، صص ۹۹-۱۴۶.
۳۴. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ هـ.ق). کلمات سدیده فی مسائل جدید. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۵. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۳۶. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳ هـ.ق). عروه الوثقی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.